




An Analysis and Comparison of the Semantic Stylistics of the Poems of Hafez Shirazi with the Metaphorical Verses of the Qur'an

Ali Asvadi¹ , Ali akbar Imani² , Jalil Hajipour Talebi³ 

1. Department of Arabic Language and Literature, Arabic literature group, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: asvadi@khu.ac.ir

2. Assistant Professor of the Department of Islamic Studies, kharazmi, Tehran, Iran. E-mail: dr.imani@khu.ac.ir

3. Ph.D. student, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
E-mail jalilhajipour@khu.ac.ir

Research Article



Detailed Abstract

Research Objective: The aim of the present research is to determine through reflection on and interpretation of the meanings of the ghazals in the Dīvān of Hafez, the degree of correspondence or alignment between the semantic style of the poems of Hafez Shirazi and the Qur'anic content. In other words, the research seeks to find evidence that shows the extent to which Hafez was influenced by the verses and concepts of the ambiguous or allegorical passages of the Noble Qur'an in his choice of themes and the way he presented them. In fact, the researcher aims to provide a deep explanation and interpretation of the meanings of Qur'anic verses in order to reveal the commonalities and correspondences between those meanings and the semantic style of Hafez's poetry. Contemplation and reflection on the verses involve a precise analysis of conceptual components and strive to identify the direct and indirect influences of the Qur'an on the poems.

Research Methodology: The method of this research is descriptive-analytical and is based on an in-depth examination of the poetry and discourse of Hafez. Initially, Hafez's Dīvān was reviewed, and verses influenced by the meanings of the Qur'an were extracted and analyzed. In the body of the article, after presenting verses from various themes of Hafez's ghazals and explaining the meanings of the couplets, the semantic influence of the Qur'an on those verses was examined and analyzed.

Findings: Hafez depicts the status of religious and sacred literature in various forms, such as through his use of Qur'anic vocabulary, verses, terminologies, as well as narratives and stories drawn from the Qur'an. His ghazals reveal that the foundational structure of his language and thought is deeply rooted in the Qur'an and its teachings. Thus, Dīvān of Hafez is influenced by Qur'anic concepts from two perspectives: both in terms

Received: 2024-04-26 | Received in revised form: 2024-07-21 | Accepted: 2024-07-24 | Published online: 2025-04-22

◆ How to cite: asvadi, A. , imani, A. A. and hajipour talebi, J. (2025). Examining the visual schemas of the Holy Quran based on Johnson's theory (Case study of Surah Ankabut). *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 9(16), 96-119. doi: [10.22034/sshq.2024.451975.1455](https://doi.org/10.22034/sshq.2024.451975.1455)

©2025. Article type: Research Article Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



of the external form of the verses and in the deeply structured internal fabric and thematic core of the poems. This indicates the profound impact of the Qur'an on the linguistic, semantic, and cognitive framework of the poet. A careful and profound reading of his ghazals shows that Hafez's literary and semantic style and structure are built upon Qur'anic insights and meanings. His mind and language have been directly shaped by Qur'anic reception to such an extent that the outward form and inner meaning of his poetry are inseparable.

The range of Qur'anic themes and references in his poetry is vast, including motifs such as fidelity to covenants, the creation of man from clay, the gardens beneath which rivers flow, fasting, expressions like Saqākallāh and ka'sin dihāq, the Night of Power (Laylat al-Qadr), a blazing meteor (Shihāb qabas), the straight path (Ṣirāṭ mustaqīm), extended shade (zill mamdūd), the fall of Adam, 'afākallāh ("may God pardon you"), certain knowledge ('ilm al-yaqīn), the noble recording angels (Kirām kātibīn), Lā ilāha illā Allāh (there is no deity but God), and Lā infiṣām lahā ("it cannot be broken"). These are only a few examples.

Moreover, these meanings and themes lead the reader or audience—often engaging with a mind filled with ambiguity and contemplation—to attain a deeper understanding of religious and ethical matters. The close relationship between the themes of Hafez's poetry and those of the Qur'an demonstrates that in his quest for spiritual and divine truths, Hafez, drawing upon his Qur'anic knowledge, has been able to address human and moral issues from a religious perspective.

Conclusion: A poet who is a Muslim and has been nurtured and developed within the embrace of Islamic culture and the teachings of the Qur'an will inevitably reflect the influence of this culture in their poetry. One of the prominent features of Hafez's poetry is his special attention to the Qur'an, which is evident throughout his verses. As Hafez himself has confessed, he read the Qur'an in fourteen different recitations and it was his companion in solitude during dark nights. Hafez alludes to this truth in his verse: "No one among the guardians of the world has gathered as much as this servant / Subtle wisdom with Qur'anic points." Based on the analyses and commentaries conducted on some of the verses of Hafez's *Dīvān* in this research, it can be concluded that Hafez's poetry is thoroughly intertwined with Qur'anic insights, and the semantic style of his verses aligns with the similar verses of the Qur'an. The *Dīvān* of Khwāja Shiraz is influenced by the Qur'an and Islamic concepts in various ways. Hafez's ghazals demonstrate that the fundamental structure of his mind and language is rooted in the Qur'an and its concepts. Ultimately, it can be said that Hafez's *Dīvān* is influenced by the Qur'an both in terms of the outward structure of the verses and in terms of their meaning and content.

Keywords: Qur'an, Hafez, Semantic style, Metaphorical Verses

بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن کریم براساس نظریه جانسون (مطالعه موردی سوره عنکبوت)

علی اسودی^۱ ID، علی اکبر ایمانی^۲ ID، جلیل حاجی پور طالبی^۳ ID

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ایمیل: asvadi@khu.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ایمیل: dr.imani@khu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ایمیل: jalilhajipour@khu.ac.ir

پژوهشی



چکیده

زبان‌شناسی شناختی از مهم‌ترین مباحث زبان‌شناسی به‌شمار می‌آید که میان زبان و اندیشه، ارتباط برقرار کرده و نظریه‌های مختلفی همچون استعاره مفهومی، طرح‌واره‌های تصویری و... را شامل می‌شود. در قرآن کریم بسیاری از مفاهیم انتزاعی در قالب مجموعه‌ای از مفاهیم عینی بیان می‌گردد که بررسی آن‌ها در فهم و درک صحیح مقصود قرآن تأثیر بسزایی دارد. پژوهش حاضر با بررسی انواع طرح‌واره‌های تصویری در سوره عنکبوت در صدد آن است تا معانی و زیبایی‌های نهفته و همچنین مفاهیم انتزاعی موجود در این سوره را با استفاده از رویکرد زبان‌شناسی شناختی و به روش توصیفی-تحلیلی، تبیین کند. براساس داده‌های موجود از سوره عنکبوت، طرح‌واره حرکتی پریسامدترین طرح‌واره است؛ پس از آن طرح‌واره حجمی و سپس طرح‌واره قدرتی در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. با این وجود در این سوره، طرح‌واره حرکتی برای درک و فهم مفاهیم انتزاعی، نقش اساسی دارد. با استفاده از طرح‌واره‌های تصویری، بسیاری از مفاهیم انتزاعی و غیرعینی برای مخاطب، عینی و ملموس می‌شود که این در درک و فهم دقیق و عمیق مفاهیم قرآن کریم نقش مهمی دارد.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، سوره عنکبوت، نظریه جانسون، قرآن کریم، طرح‌واره‌های تصویری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

استناد به این مقاله: اسودی، علی، ایمانی، علی اکبر و حاجی پور، جلیل. (۱۴۰۴). بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن کریم براساس نظریه جانسون (مطالعه موردی سوره عنکبوت). *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۹ (شماره اول)، ۹۶-۱۱۹. doi: 10.22034/sshq.2024.451975.1455

© ۲۰۲۵ نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی رویکردی نوین در عرصه مطالعات زبانی است که در تقابل با رویکرد صورت‌گرایانه به زبان قرار می‌گیرد. این رویکرد در پیدایش علوم شناختی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، به‌ویژه در پژوهش‌های مربوط به مقوله‌بندی مفاهیم و سنت روانشناسی گشتالت، ریشه دارد (اوانس و گرین^۱، ۲۰۰۶: ۳). براساس نظر گیررتس^۲ (۱۹۹۵م)، دانش زبان را وسیله‌ای برای ساماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند و این دانش به‌لحاظ روش شناختی، تجزیه و تحلیل مبانی تصویری و تجربی مقولات زبانی از منظر زبان‌شناسی‌شناختی از اهمیت اساسی برخوردار است. این دانش رویکردی است که به زبان را وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی انسان می‌داند. (گلفام، ۱۳۸۱: ۵۹)

زبان‌شناسی شناختی، جزء لاینفک جنبشی گسترده‌تر برای دستیابی به شرحی رضایت‌بخش از طبیعت شناخت انسان و به‌طور خاص، به‌معنای زبانی شکل گرفت؛ جنبشی که در آن، گروه قابل‌توجهی از دانشمندان علوم شناختی از نیمه‌های دهه ۷۰، نخست در ایالات متحده و اندکی بعد در اروپا و به‌طور محدودتر در دیگر نقاط جهان، درگیر بودند (بارسلونا، ۱۳۹۰: ۹؛ ذوالفقاری و عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۸-۱۰۹). «پیروان زبان‌شناسی شناختی» معتقدند که تجربیات انسان از جهان خارج، به صورت الگوهایی در ذهن طبقه‌بندی می‌شوند و زبان ابزاری برای انعکاس این نظام ذهنی است (تک‌تبار فیروزجانی و همکاران ۱۳۹۷: ۲۰۲)؛ به عبارت دیگر، زبان یک ساختار نظام‌مند دارد که ساختار فکر را منعکس می‌کند؛ یعنی آن دسته از مفاهیم ذهنی یا انتزاعی که در ذهن موجود است، به‌وسیله زبان معنا و انعکاس می‌یابد. (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۱۲)

طرح‌واره‌های تصویری یکی از چند شاخه بسیار مهم حوزه معناشناسی شناختی است که جانسون تبیین و گسترده کرده است. «باید توجه داشت که طرح‌واره‌های تصویری با صورت‌های ذهنی برابر نیستند؛ زیرا صورت ذهنی محصول فرایند شناختی آگاهانه است که جزئیات بیشتری برای ما به همراه دارد؛ یعنی وقتی ما چشمانمان را می‌بندیم و برادر یا پدر یا دوست خود را تصور می‌کنیم، درواقع، صورت ذهنی از او داریم نه طرح‌واره تصویری؛ اما در طرح‌واره تصویری، نمی‌توان به صرف بستن چشم، چیزی را در ذهن تداعی کرد؛ زیرا برخلاف صورت ذهنی که به امور مادی و ملموس مربوط است، طرح‌واره تصویری مربوط به امور انتزاعی و نامحسوس است.» (قائمی نیا، ۱۴۰۰: ۶۰)

ساختار متن‌های مذهبی، از جمله قرآن، زیبایی‌ها و جلوه‌های هنری دارد که شناخت آن راهکاری مناسب برای تحلیل و درک مفاهیم والای آن است. قرآن کریم با در نظر داشتن تفاوت درک انسان‌ها، تعالیم خود را گاه با زبان ادبی و هنری در قالب قصه و مانند آن، بیان

1) Evans, V. and green, M.

2) Geeraerts, Dirk.

کرده است. زیبایی‌شناسی قرآن و جلوه‌های هنری آیات قرآن شناسایی جمال و هنر بیان قرآن و کشف علل و عوامل تأثیرگذار بر انفعال احساسات درونی و باطنی انسان و کشش آن است (یاوری، ۱۳۹۲: ۹۹). قرآن، کتاب آسمانی، در پیشرفت علوم ادبی و بلاغی، تأثیر بسزایی داشته است؛ بنابراین، تصویرپردازی‌های آن به شکل مفاهیم انتزاعی بیان شده‌اند؛ در نتیجه مفاهیم آن با ساختار ذهن بشر و تجربه‌های زندگی او مفهوم‌سازی شده است. با این وجود، دریافت و کشف مفاهیم آیات قرآن از طریق طرح‌واره‌ها در فهم و درک آن، تأثیر بسیاری دارد.

سوره‌های قرآن از نظر محل نزول و محتوا به دو دسته مکی و مدنی تقسیم می‌شوند؛ سوره‌های مکی مربوط به اصول دین، مثل توحید و معاد و نبوت و سوره‌های مدنی مربوط به تشکیلات اجتماعی و قوانین حقوقی و احکام شرعی هستند. پژوهش حاضر به بررسی مفاهیم موجود در سوره عنکبوت (یکی از سوره‌های مکی)، براساس طرح‌واره‌های تصویری می‌پردازد و بر آن است تا میزان بسامد هر یک از طرح‌واره‌های تصویری این سوره را بیان کند؛ بنابراین، این جستار در صدد پاسخ به پرسش‌های زیر خواهد بود:

کدام طرح‌واره‌های تصویری در این سوره به کار رفته است؟

کدام نوع از طرح‌واره‌های تصویری در بیان مفاهیم انتزاعی و غیرعینی و انتقال معنا و ارائه درک درست از آیات سوره عنکبوت بسامد بیشتری دارد؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در مورد طرح‌واره تصویری، پژوهش‌هایی در حیطه قرآن کریم انجام شده است؛ مانند: ۱. قائمی و ذوالفقاری (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن پرداخته و به انواع طرح‌واره‌های موجود، اشاره کرده‌اند.

۲. اسودی و مدیری (۱۴۰۰) طرح‌واره‌های تصویری سوره صافات را براساس نظریه جانسون بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که طرح‌واره‌های تصویری در جهت درک بهتر مفاهیم غیرتجربی، همچون بهشت، جهنم، کفر، ایمان و... ایجاد شده‌اند.

۳. توکل‌نیا و حسومی (۱۳۹۵) طرح‌واره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن را بر پایه نظریه جانسون بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که مفاهیم انتزاعی از طریق طرح‌واره‌های مختلفی مانند طرح‌واره جهتی، حرکتی همسانی موجودیت و... برای خواننده این آیات قابل فهم و لمس شده‌اند.

۴. حسین قیاسی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج‌البلاغه» را ارائه داده است و در این پژوهش، سه دسته طرح‌واره حرکتی، حجمی

و قدرتی در نهج البلاغه بررسی شده است که ماهیت آنها برگرفته از استعاره‌های مفهومی قرآن کریم است.

۵. کریمی بروجنی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی نقش طرح‌واره نیرو در مفهوم‌سازی و درک مفاهیم اخلاقی قرآن پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که بسیاری از هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی در قرآن، از طریق استعاره‌های حاوی طرح‌واره، قابل درک و شناخت است.

۶. عابدی جزینی و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی طرح‌واره‌های تصویری «عذاب» در قرآن، به این نتیجه رسیدند که خداوند با بهره‌گیری از طرح‌واره‌ها مفهوم انتزاعی عذاب را برای مخاطب روشن ساخته است.

۷. خسروی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی طرح‌واره تصویری در معنانشناسی شناختی واژگان قرآنی تبیین می‌کنند که خداوند برای بیان آسان‌تر آیات الهی، از روش‌های مختلفی بهره‌جسته که تصویرسازی از مهمترین روش‌هاست.

۸. راستگو و صالحی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به طرح‌واره تصویری قدرتی در گفتمان قرآنی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در طرح‌واره قدرتی، مفاهیم انتزاعی کفر و نفاق به‌مثابه سد و مانع به‌تصویر درآمده است.

۹. کرد زعفرانلو و ابراهیم پورنیک (۱۳۹۸) طرح‌واره‌های تصویری در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در سه سوره واقعه، انسان و الرحمن را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که طرح‌واره حرکتی بیشترین و طرح‌واره قدرتی کمترین تعداد طرح‌واره را به خود اختصاص داده‌اند.

لازم به ذکر است که درباره سوره عنکبوت، پژوهش‌هایی به صورت مستقل، صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. احمدی (۱۴۰۱) پایان‌نامه «بررسی تفسیر ساختاری سوره عنکبوت با تکیه بر نظریه نظم جرجانی و انسجام هلیدی» را تدوین کرده است.

۲. میر فضلی (۱۴۰۱) نیز «بررسی سوره‌های یوسف، کهف، اسراء، عنکبوت، لقمان، نمل و نور، بر اساس سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو» را انجام داده است.

۳. جهان‌دیده (۱۳۹۹) پایان‌نامه «خوانش سوره عنکبوت» بر پایه ارجاعات درون‌متنی و روابط بینامتنی» را به نوشته تحریر درآورده است.

۴. بومجان (۱۳۹۶) پایان‌نامه «تصحیح نسخه خطی» البينات فی تفسیر القرآن» (سوره حمد و عنکبوت) و مقایسه روش و گرایش تفسیری آن با المیزان فی تفسیر القرآن» را انجام داده است.

۵. رضایی (۱۳۹۵) پایان‌نامه «تأویل اعظم واژگان سوره مبارکه عنکبوت» را به رشته تحریر درآورده است.

۶. شایق (۱۳۹۱) پایان‌نامه «بررسی سندی و دلالی روایات تفسیری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از سوره مبارکه عنکبوت تا پایان قرآن کریم با تأکید بر جلد دوم مسند الإمام علی (علیه‌السلام)» را تدوین کرده.

۷. کلباسی (۱۳۹۷) نیز پایان‌نامه «خوانشی نو از تفسیر دو مفهوم نفاق و هجرت در سوره عنکبوت با تکیه بر نزول پیوسته این سوره در مکه» را تدوین کرده است.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده، تاکنون، پژوهش مستقلی درباره بررسی طرح‌ورهای تصویری در سوره عنکبوت انجام نشده است.

۲. چهارچوب نظریه جانسون

یکی از مفاهیم اساسی زبان‌شناسی شناختی مفهوم طرح‌واره‌های تصویری است. نخستین بار مارک جانسون این اصطلاح را در زبان‌شناسی به کار برد. به نظر او حرکات بدنی آدمیان و ارتباط حسی آنان با جهان خارج، از الگوهای تکراری پیروی می‌کند که طرح‌واره‌های تصویری نام دارند. طرح‌واره‌های تصویری در دستگاه مفهومی ما از راه تجربه حسی و تعامل با محیط پیرامون شکل می‌گیرند. آنها ابزارهای تحلیلی بسیار مهمی در زبان‌شناسی شناختی هستند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۶). جین مندار یکی از روانشناسان درباره طرح‌واره تصویری، تغییر نوظهور را به کار برده است. آنها بدین معنا نوظهور هستند که ساختار فکری ندارند، بلکه در مراحل رشد ما و از راه تجربه تعامل با جهان خارج پیدا می‌شوند. (همان: ۵۷)

در این جهان، رفتارهایی بروز می‌کند؛ مثلاً حرکت می‌کنیم، می‌خوریم و می‌خواهیم، محیط اطرافمان را درک می‌کنیم و از این طریق ساخت‌های مفهومی بنیادینی پدید می‌آوریم که برای اندیشیدن درباره امور انتزاعی‌تر به کار می‌روند. به نظر جانسون، تجربیات ما از جهان خارج، ساخت‌هایی در ذهن ما پدید می‌آورد که ما آنها را از راه زبان خود انتقال می‌دهیم. این ساخت‌های مفهومی همان طرح‌های تصویری‌اند. به عبارت ساده‌تر، طرح تصویری نوعی ساخت مفهومی است که برحسب تجربه ما از جهان خارج در زبان ما نمود پیدا می‌کند (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۶۲-۱۶۳) جانسون معتقد است طرح‌واره‌های تصویری الگوهایی تکرارشونده و پویا از تعامل ادراکی و حسی حرکتی ما در محیط هستند که به تجربه انسجام و ساخت می‌بخشند. مقصود از تجربه، ابعاد ادراکی، حسی- حرکتی، عاطفی، تاریخی، اجتماعی و زبانی حضور ما در محیط است. طرح‌واره‌های تصویری موجب می‌شود این تجربیات معنا دار شوند و مبنای استدلال در مورد خود این تجربیات و نیز مبنای شکل‌گیری مفاهیم انتزاعی و استدلال در حوزه‌های انتزاعی اندیشه واقع شوند. (افراشی ۱۳۹۶: ۱۱۲) طرح‌واره تصویری جانسون، شامل سه طرح‌واره حجمی، حرکتی و قدرتی به شرح زیر است:

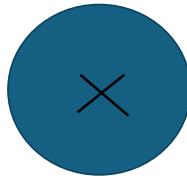
۳. طرح‌واره‌های تصویری

۱-۳. طرح‌واره حجمی

یکی از انواع طرح‌واره‌های تصویری که جانسون به آن پرداخته است، طرح‌واره حجمی است. طرح‌واره حجمی روش دیگری برای رمزگشایی معانی انتزاعی موجود در متن است که به معنای اصلی متن هدایت می‌کند.

انسان از طریق تجربه قرار گرفتن در اتاق، تخت و دیگر مکان‌هایی که حجم دارند و می‌توانند نوعی ظرف تلقی شوند و نیز قرار دادن اشیای مختلف در مکان‌هایی که حجم دارند، بدن خود را نوعی ظرف دارای حجم در نظر گرفته است و در نتیجه طرح‌واره‌های انتزاعی را از احجام فیزیکی در ذهن خود پدید آورده است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۷۴). بدین روش به آنها حجم و اندازه (فرم هندسی) می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). ما خودمان نیز ظرف هستیم، سطح داریم، تو داریم، داخل داریم، خارج داریم و کلاً عوالمی داریم که بیشتر فضایی و ظرفی هستند (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۹). شایان ذکر است طرح‌واره حجمی با حروف اضافه‌ای چون «در»، «داخل»، «توی»، «بیرون» و ... نیز به کار می‌رود و آنچه بعد از این حروف به کار می‌رود، دارای حجم تلقی می‌شود (رضوی، ۱۳۹۰: ۳۰۱)؛ مانند این مثال‌ها، الف: «غرق در کار شدم» و «به فکر فرو رفته بودم». «کار و فکر» هر دو جزء مفاهیم عقلی و انتزاعی هستند که به‌مثابه ظرفی در نظر گرفته شده‌اند که انسان به آنها وارد شده است.

شکل طرح‌واره حجمی



۲-۳. طرح‌واره حرکتی

حرکت واژه عامی است که در ذهن انسان، تداعی‌کننده جابه‌جایی و تغییر در موقعیت یک شیء با توجه به محیط اطراف آن در یک فاصله زمانی مشخص است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۷۵). به نظر جانسون، انسان از طریق تجربه حرکت کردن خود و سایر پدیده‌های متحرک برای پدیده‌های گوناگون فضایی می‌آفریند که در آن می‌توان حرکت کرد؛ به این ترتیب، در زبان، شاهد تغییراتی هستیم که انگار نمود مسیر حرکت کنند. به شواهد زیر توجه کنید: «رسیدیم به ته قصه»، «برای رسیدن به موفقیت، باید تلاش کرد»، «تا گرفتن مدرک دکتری هنوز خیلی

باید بدوی». براساس این شواهد چنین می‌نماید که فارسی‌زبانان برای بسیاری از پدیده‌ها، نظیر قصه موفقیت و جز آن، مسیری در نظر گرفته‌اند که انسان در آن مسیر حرکت می‌کند. (افراشی، ۱۳۹۶: ۳۲)

این حرکت زنجیره‌ای از حرکات آغاز و پایان و مکان‌های اطراف را تشکیل می‌دهد و می‌تواند در یک استعاره، طرح‌واره مبدأ و مقصد و مسیرهای مجاور و مرتبط با مبدأ و مقصد را نشان دهد (مارک، ۱۹۸۷: ۱۱۴)؛ بنابراین، تجربه حرکت، برخورد و تعاملی که انسان‌ها با دیگر پدیده‌های متحرک در عالم خارج از بدن خود دارند، ایجادکننده طرحی از حرکت و پویایی است که مفاهیم انتزاعی واردشده به این حوزه را ملموس می‌سازد. «نکته دیگری که بایستی بدان توجه داشت این است که چون مسیر یک مسافت را نشان می‌دهد که در آن چیزی به جایی دیگر حرکت می‌کند، شامل یک نقطه شروع و یک نقطه پایان و نیز نقطه‌ای است که مبدأ را به مقصد وصل می‌کند.» (روشن، ۱۳۹۲: ۵۲)

شکل طرح‌واره حرکتی

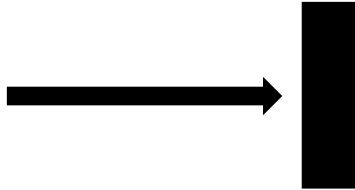
مسافت



۳-۳. طرح‌واره قدرتی

نوع سوم از طرح‌واره تصویری، از نظر زبان‌شناسان، طرح‌واره قدرتی با نیرو است. گاهی انسان در زندگی با مشکلات و موانعی برخورد می‌کند که مانند سدی مستحکم در مقابلش قرار دارند. انسان برحسب تجربیات خود، امکانات مختلفی را در برخورد با چنین سدی تجربه کرده است و قدرت خود را در گذر از این سد، آزموده است؛ به این ترتیب، طرح‌واره‌ای انتزاعی از این برخورد فیزیکی در ذهن خود پدید آورده است و این ویژگی را به پدیده‌هایی نسبت می‌دهد که از چنین ویژگی برخوردار نیستند. جانسون این نوع طرح‌واره تصویری را طرح‌واره قدرتی نامیده است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۷۶). این طرح‌واره به نحوی با طرح‌واره حرکتی در ارتباط است؛ زیرا زمانی که حرکتی در مسیری آغاز می‌شود، ممکن است در پیمودن راه، مانعی قرار گیرد؛ به این ترتیب، طرحی از این برخورد فیزیکی در ذهن انسان پدید آمده و باعث شده که وی این کیفیت را به پدیده‌هایی نسبت می‌دهد که در واقع فاقد آنند. جانسون در این مورد، سه حالت در برخورد با چنین سدی و سه طرح تصویری مربوط به آنها را مطرح می‌سازد. نخستین نوع طرح قدرتی، آن است که در مسیر حرکت، سدی

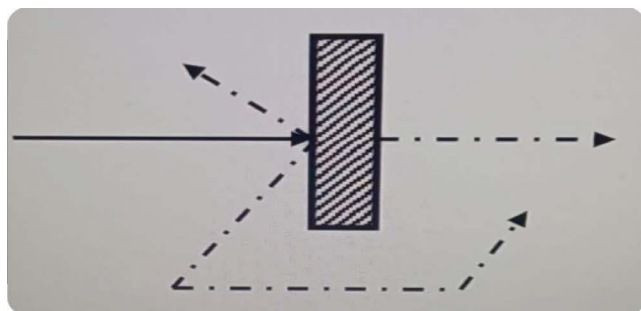
پدید آید و ادامهٔ حرکت را ناممکن سازد؛ مانند، «برای گرفتن مجوز به مشکلی خوردم که هیچ کار نتوانستم بکنم»، «جایی گرفتار شدم که نه راه پیش داشتم نه راه پس»، «با این کارت راه ادامه دادن تحصیل را بستیم» (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۶۴). این مرحله را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:



ب- در مسیر حرکت سدی پدید آید، ولی بتوان آن را شکست، دور زد یا راه دیگری یافت و به حرکت مستقیم ادامه داد.

شکستن سد: باهر ترتیبی بود، کنکور را پشت سر گذاشتم؛ بالاخره مشکل مالی ام را حل کردم و به کار ادامه دادم؛ خجالت کشیدنش را که سد راه خود می‌دید، از سر راه برداشت. دور زدن سد: خودت را درگیر این مخمصه نکن و از کنارش بگذر؛ اگر روشن نشد، بهم بگو تا یک راه دیگر بهت بگویم؛ هرطور شده باید دورش بزنی.

ج- تغییر مسیر و انتخاب هدف: این انتخاب ممکن است مسیر زندگی را تغییر دهد. اگر از سد کنکور می‌گذشتی، مجبور به این جور کار کردن نبودی (همان: ۱۶۵-۱۶۴). این مرحله را نیز می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:



۴. بافت موقعیتی سورهٔ عنکبوت

امتحان و ابتلاء از آغاز، یک سنت پایدار و ثابت بوده است. در قرآن کریم به نمونه‌هایی از آزمایش‌های پیامبران و به ارتباط حقایقی که خداوند ذکر کرده با حقایقی که آسمان‌ها و

زمین بر آن استوارند اشاره شده است. در ابتدای سوره عنکبوت نیز به این امر مهم پرداخته شده است و به مؤمنان گوشزد می‌کند تا در مقابل سختی‌ها و امتحانات الهی پایداری کنند و به غیر خدا تکیه نکنند؛ چراکه تکیه بر غیر خدا همانند اعتماد عنکبوتی است که به خانه خود می‌کند؛ درحالی که خانه او طبق فرموده خداوند، سست‌ترین خانه‌هاست و نام‌گذاری این سوره به «عنکبوت» نیز از آیه ۴۱ آن گرفته شده است. در آن آیه، بت‌پرستان را که تکیه بر غیر خدا می‌کنند؛ تشبیه به عنکبوت می‌کند که تکیه‌گاهش، تارهای سست و بی‌بنیاد است: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۴۱/۲۹).

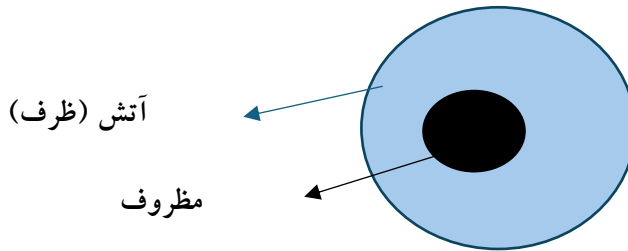
سوره مبارکه عنکبوت ۶۹ آیه دارد و قبل از هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در اواخر زندگی مسلمانان در مکه معظمه نازل شد. این سوره از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است و هر بخش آن با توجه به بافت موقعیتی و مناسبت آن، نازل شده است. براین اساس، با توجه به اینکه موضوع اصلی سوره عنکبوت، بیان قدرت مؤمنان، ضعف کافران، پایداری در دین همراه مقاومت در انکار منکر و اعتراف به معروف و کار نیک است؛ بنابراین، اسم سوره (عنکبوت) با این محتوا همخوانی دارد. آن زمان برای مؤمنان از زمان‌های سخت و مشکل به‌شمار می‌رفت؛ به همین خاطر این سوره مؤمنان و مسلمانان را به تثبیت ایمان و اداری می‌کرد و مشهور در میان مفسران این است که تمام این سوره پیش از هجرت، نازل شده است؛ چراکه محتوای آن هماهنگ با محتوای سوره‌های مکی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۰۳/۱۶). در ادامه، برای هر کدام از طرح‌واره‌ها، نمونه‌هایی از سوره عنکبوت را ذکر می‌کنیم.

۵. طرح‌وارهٔ حجمی سوره عنکبوت

در آیه «فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (عنکبوت: ۲۴/۲۹) (پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «بکشیدش یا بسوزانیدش»، ولی خدا او را از آتش نجات بخشید. آری، در این [نجات بخشی خدا] برای مردمی که ایمان دارند، قطعاً دلایلی است).

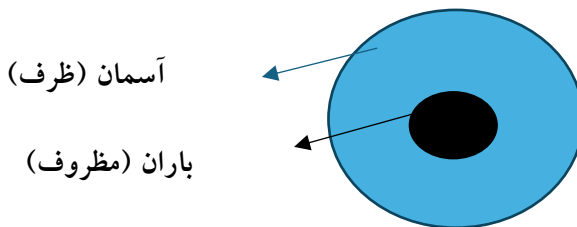
کافران و نمرودیان برای مبارزه با دعوت حضرت ابراهیم تصمیم به قتل او گرفتند؛ بنابراین آتش وسیعی تهیه و حضرت را به درون آن پرتاب کردند، اما خداوند آتش را برای او گلستان نمود و حضرت را نجات داد (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۲۹/۷). در جمله «فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ (خداوند او را از آتش رهایی بخشید)»، حذف و ایجاز به کار رفته. تقدیر «أَنَّ تَمَّ اتَّفَقُوا عَلَىٰ أَحْرَّ اللَّهُ فَاضْرَمُوا نَارًا فَالْقَوْمِ فِيهَا فَاتَّجَاهُ اللَّهُ مِنْهَا (بر سوزاندنش اتفاق کرده؛ پس آتشی افروختند و ابراهیم را در آن افکندند؛ پس خدا او را از آتش نجات داد)» است (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۲۰/۱۶). طرح‌وارهٔ حجمی این آیه بدین صورت است که خداوند آتش را به‌مثابه

ظرفی در نظر گرفته و حضرت ابراهیم(ع) را مظلوف آن قرار داده است که به درون آن ظرف (آتش) انداخته یا از آن خارج شده است.



﴿وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْبَاهُ بِهِ الْأَرْضُ مِنَ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (عنکبوت: ۶۳/۲۹) (و اگر از آنان پرسید، چه کسی از آسمان آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش، به وسیله آن زنده گردانیده است. حتماً خواهند گفت: «الله»). بگو، ستایش از آن خداست؛ با این همه، بیشترشان نمی‌اندیشند).

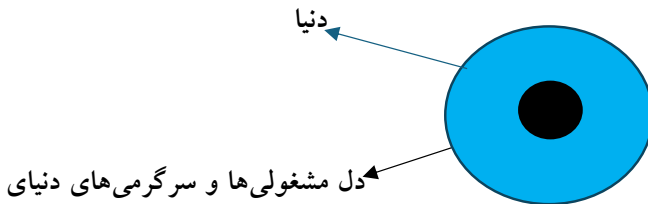
در این آیه، چرخه تذکار رو به سوی مشرکین دارد. مشرکینی که الهیت خدا را کم‌وبیش باور نداشتند و به جای اعتلای کلمه توحید، در جستجوی اعتلای بت‌ها بودند. پیامبر برای تعمیق ایمان مشرکین، اقدام به طرح یک پرسش می‌کند؛ پرسش در مورد نازل‌کننده باران؛ بدین معنا که پیامبر خدا به جای اینکه مستقیم اقدام به آموزش کند، مسئله را در قالب یک پرسش بیان می‌کند تا مخاطب را به تأمل وادارد. واژه «سما» در این آیه، بیانگر طرح‌واره حجمی است؛ زیرا خداوند آسمان را به صورت ظرف و آب (باران) را مظلوف آن در نظر گرفته است.



﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ﴾ (عنکبوت، ۶۴/۲۹) (این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است؛ ای کاش می‌دانستند!).

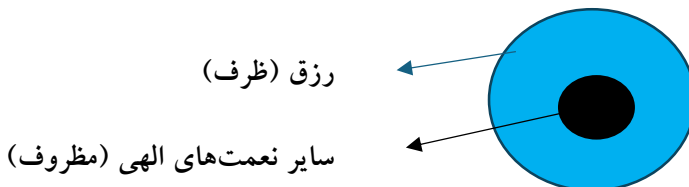
قرآن می‌فرماید: «زندگی دنیا یک نوع سرگرمی و بازی است؛ مردمی جمع می‌شوند و به پندارهائی دل می‌بندند؛ بعد از چند روزی، پراکنده می‌شوند و در زیر خاک پنهان

می‌گردند؛ سپس همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود. اما حیات حقیقی که فنائی در آن نیست، نه درد و رنج و ناراحتی و نه ترس و دلهره در آن وجود دارد و نه تضاد و تزاحم؛ تنها حیات آخرت است؛ ولی اگر انسان بداند و اهل دقت و تحقیق باشد. و آنها که دل به این زندگی می‌بندند و به زرق و برق آن مفتون و دلخوش می‌شوند، کودکانی بیش نیستند؛ هرچند سالیان دراز از عمر آنها می‌گذرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۶/۷۲۵). خداوند در این آیه، نعمت‌های زمینی را در برابر نعمت‌های الهی ناچیز می‌شمارد و این دنیا را بازیچه می‌داند. باتوجه‌به مفهوم موجود در این آیه، دنیا به شکل ظرفی به تصویر کشیده شده است که انواع بازهای و سرگرمی‌ها و دل‌مشغولی‌ها را با عنوانِ مظروف خود دربر گرفته است.

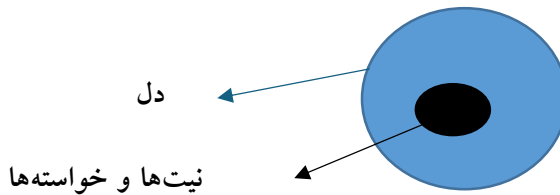


﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (عنكبوت: ۶۲/۲۹)
(خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند و [یا] بر او تنگ می‌سازد؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست).

«در این آیه، باتوجه‌به آنچه در آیه قبلی اشاره شده بود، تصریح می‌کند و واژه «يَقْدِرُ» از ماده «قَدَرَ» به معنای «تنگ گرفتن» در مقابل «بَسَطَ» به معنای گشایش دادن است و در آیه مورد بحث، منظور معنای این کلمه نیست، بلکه منظور لازمه معنای آن است؛ یعنی توسعه. (المیزان، ۱۳۸۱: ۲۲۴) طرح‌واره حجمی آیه به این شکل است که خداوند رزق را به مثابه ظرفی در نظر گرفته و سایر نعمت‌های خود را مظروف آن قرار داده است که براساسِ مصلحت بر هر کس که بخواهد توسعه می‌دهد و بر هر کس که بخواهد تنگ می‌گیرد.



«...لئن جاء نُصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لِيُؤْتِلَنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ» (عنكبوت: ۱۰/۲۹) (...و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد، حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست؟). حرف جرّ «فی» مفهوم «دل یا سینه» را براساس طرح‌واره حجمی، ترسیم کرده و برای آن حجم قائل شده است و حکم ظرف پیدا کرده است و نیت‌ها و خواسته‌های قلبی نیز به مثابه مظروف آن در نظر گرفته شده که خداوند به آن‌ها آگاه است.



۶. طرح‌واره حرکتی سوره عنكبوت

«وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئًا بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ...» (عنكبوت: ۳۳/۲۹) (و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند، به علت [حضور] ایشان ناراحت شد و دستش از [حمایت] آنها کوتاه گردید. گفتند: «مترس و غم مدار...»).

شاهد مثال در این آیه، واژه «جاء» است که بر حرکت کردن دلالت دارد. مخاطب از سوی خداوند مأمور می‌شود (مبدأ) که به سوی قومش بیاید (مقصد) تا آنان را به یکتاپرستی و ایمان به خداوند جهان دعوت کند.

از طرف خدا ← قومش

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» (عنكبوت: ۵۸/۲۹) (و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از زیر آنها جوی‌ها روان است. جاودان در آنجا خواهند بود؛ چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان!).

خداوند در این آیه، برای کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند، پاداشی مقرر کرده که در باغ‌هایی قرار دارند که یکی از ویژگی‌های آن جریان داشتن نهرها از زیر درختان است؛ درواقع، فعل «تجری» نماد طرح‌واره حرکتی است. جریان داشتن کاملاً با حرکت همراه است؛ هرچند، اینجا مقصد ذکر نشده، اما تصویری که از واژه «جریان» در ذهن

می آید، این گونه است که نهرها از مبدأیی به سوی مقصدی در حرکت و جریانند و صالحان در این بهشت ساکن خواهند بود.

نهرهای بهشتی

چشمه‌های بهشتی

﴿فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (عنکبوت: ۲۹/۲۶) (پس لوط به او ایمان آورد و [ابراهیم] گفت: «من به سوی پروردگار خود روی می آورم که اوست ارجمند حکیم).

و گویا منظور از مهاجرت به سوی پروردگار، دوری از وطن و بیرون شدن از بین قوم و فامیل مشرک و رفتن به سرزمین غربت برای خداست؛ یعنی من این زحمت‌ها را تحمل می‌کنم تا در غربت، کسی مانع یکتاپرستی‌ام نشود؛ بنابراین مهاجرت را مهاجرت به سوی خدا خواندن، نوعی مجاز عقلی است. (المیزان، ۱۳۸۱: ۱۸۰). در این آیه، واژه «مهاجر» و «إلی» بیانگر طرح‌واره حرکتی است. عناصر طرح‌واره حرکتی این آیه بیان می‌کند، حضرت ابراهیم (ع) از مبدأیی (وطن خود) به سوی مقصدی دیگر که مشخص نیست، مهاجرت می‌کند.

وطن خود ← وطن دیگر (غربت)

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ...﴾ (عنکبوت: ۲۹/۲۰) (بگو که در زمین سیر کنید و ببینید که خدا چگونه خلق را ایجاد کرده...)

شاهد مثال در این آیه، «سیروا» است که بر حرکت کردن انسان دلالت می‌کند و مخاطب از یک مبدأ با طی مسافت به سوی مقصدی حرکت می‌کند؛ هر چند مبدأ و مقصد از نظر لفظی به صورت مشخص و معین بیان نشده است، از جهت مفهوم، درک کردن کیفیت آغاز خلقت و ایجاد ایشان مقصد است؛ اما آنچه نمایان است طرح‌واره تصویری آن بیانگر حرکت و طی کردن مسافت است.

زمین ← درک کردن کیفیت خلقت

﴿يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلِبُونَ﴾ (عنکبوت: ۲۹/۲۱) (هر که را بخواهد، عذاب و هر که را بخواهد، رحمت می‌کند و به سوی او بازگردانیده می‌شوید).

قلب: برگرداندن، وارونه کردن. «قلب شیء»؛ یعنی گرداندن و گردیدن آن است از وجهی به وجهی مثل گرداندن لباس و گرداندن انسان از طریقه‌اش (راغب، ۱۳۷۴: ۹۶). در این آیه، حرف «إلی» و همچنین فعل «تَقْلِبُونَ» نمودی از طرح‌واره حرکتی به‌شمار می‌رود. «إلی» به مسیر اشاره می‌کند و بازگشت به سوی خدا، مقصد این مسیر است؛ با وجود اینکه سخنی از مبدأ بیان نشده است.

بندگان

خداوند ← بازگشت به سوی خدا

﴿وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بِهَا مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا...﴾ (عنکبوت: ۶۳/۲۹)
 (و اگر از آنان پرسید، چه کسی از آسمان آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش، به وسیله آن زنده گردانیده است؟...)

درباره تفاوت «تنزیل» و «انزال» بیان شده است که «تنزیل» معمولاً در مواردی گفته می‌شود که چیزی تدریجاً نازل شود؛ درحالی‌که «انزال» معنی عامی دارد که هم شامل نزول تدریجی می‌گردد و هم نزول دفعی (همان: ۷۹۹). در این آیه، فعل «نَزَّلَ» بیانگر طرح‌واره حرکتی است که مبدأ و مقصد آن مشخص است. نزول باران از آسمان به زمین بیانگر طرح‌واره است و باران در اینجا، بیانگر نزول نعمت‌های الهی است.

آسمان ← زمین

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...﴾ (عنکبوت: ۱۴/۲۹)
 (و به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ پس در میان آنان نهد و پنجاه سال درنگ کرد...)

باتوجه به آیه، فعل «أَرْسَلْنَا» و حرف «إلی» نماد طرح‌واره حرکتی است که از یک مبدأ مشخص به یک مقصد معین در حرکت‌اند. از آیه مفهوم این‌گونه برمی‌آید که حضرت نوح(ع) از طرف خداوند به سوی مردمش فرستاده شده است.

(مأمور شدن از سوی خداوند) ← قومش

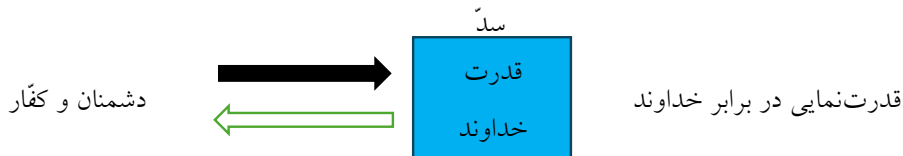
۷. طرح‌واره قدرتی سوره عنکبوت

﴿وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (عنکبوت: ۲۹/۲۲) (و شما نه در زمین و نه در آسمان درمانده‌کننده [او] نیستید و جز خدا برای شما

یار و یآوری نیست).

این آیه شریفه به طوری که ملاحظه می‌گردد، تعجیز خدا و غلبه بر او و خروج و امتناع از حکم او را با همه اقسامش نفی می‌کند و می‌رساند که خلق نه خودشان مستقلاً می‌توانند خدا را عاجز سازند و نه غیرایشان می‌توانند این کار را برایشان انجام دهند و نه خودشان و غیرشان می‌توانند به این غرض نائل آیند. معنای اول را جمله «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ...» و معنای دوم را جمله «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ» و معنای سوم را جمله «وَلَا نَصِيرٍ» افاده می‌کند. (المیزان، ۱۳۸۱: ۱۶/۱۷۶).

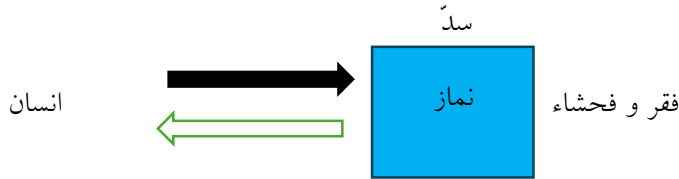
باتوجه به آیه قبل؛ یعنی «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ»، خداوند هر که را بخواهد عذاب میدهد و هر که را بخواهد مورد رحمت خود قرار می‌دهد. پس دشمنان، کفار و فجار در هر نقطه از زمین یا آسمان باشند، به خاطر عجزشان با هیچ تدبیر و تلاش و توطئه‌ای نمی‌توانند بر اراده خداوند تسلط پیدا کنند و از دسترس قهر الهی خارج گردند؛ در واقع قدرت مطلق خداوند مانع بوده و دشمنان در این مسیر، از این مانع عبور نخواهند کرد.



«أَنْتُمْ لِمَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۲۹/۴۵) (آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید).

طبیعت نماز از آنجاکه انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده، یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد، می‌اندازد، اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر دارند. انسانی که به نماز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید؛ خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌شمرد؛ به یاد نعمت‌های او می‌افتد؛ حمد و سپاس او می‌گوید؛ او را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستایند؛ به یاد روز جزای او می‌افتد؛ اعتراف به بندگی او می‌کند؛ از او یاری می‌جوید؛ صراط مستقیم از او می‌طلبد؛ و از راه کسانی که غضب بر آنها شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد (مضمون سوره حمد). بدون شک در قلب و روح چنین انسانی جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود. برای خدا «رکوع» می‌کند و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد، غرق در عظمت او می‌شود و خودخواهی‌ها و خوددبرترینی‌ها را فراموش می‌کند. شهادت

به یگانگی او می‌دهد، گواهی به رسالت پیامبر (ص) می‌دهد و بر پیامبرش درود می‌فرستد و دست به درگاه خدای برمی‌دارد که در زمرهٔ بندگان صالح او قرار گیرد (تشهد و سلام). همهٔ این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می‌کند؛ موجی که سدّ نیرومندی در برابر گناه محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۶/۲۹۴). طرح‌وارهٔ قدرتی در این آیه، بدین صورت است که اگر انسان اقدام به اقامهٔ نماز کند، او را از انجام اعمال زشت و فحشاء برحذر می‌دارد؛ به عبارت دیگر، نماز مانعی در مسیر انسان است تا دچار اعمال منکر و فحشاء نشود و مهم‌تر از آن این است که انسان را به یاد خدا می‌اندازد.

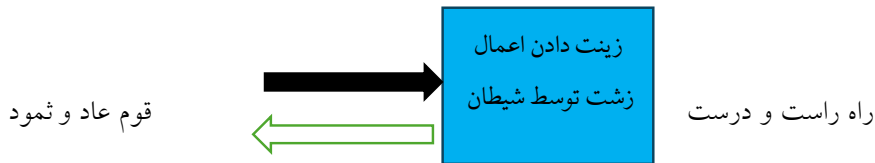


﴿وَعَادًا وَثُمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ (عنكبوت: ۲۹/۳۸) (و عاد و ثمود را [نیز هلاک نمودیم]. قطعاً [فرجام آنان] از سراهای‌شان بر شما آشکار گردیده است و شیطان کارهای‌شان را در نظرشان بیار است و از راه بازشان داشت، با آنکه [در کار دنیا] بینا بودند).

فعل «صَدَّ» بیانگر طرح‌وارهٔ قدرتی در این آیه است. «صَدَّ» از ریشهٔ «ص د د» و به معنای اعراض و عدول و منصرف کردن است (ابن فارس، ۱۹۹۹: ۳/۲۸۲). راغب آن را انصراف قطعی و روی گرداندن و خودداری معنا کرده است (راغب، ۱۳۷۴: ۲/۳۷۸). سپس به علت اصلی بدبختی آنها اشاره کرده، می‌گوید: «شیطان اعمالشان را برای آنها زینت کرده بود و در نتیجه آنها را از راه حق بازداشته بود. (و زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ) درحالی‌که چشم بینا و عقل و خرد داشتند.» فطرت آنها بر توحید و تقوی بود و پیامبران الهی نیز به قدر کافی، راه را به آنها نشان داده بودند (وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ). بعضی از مفسران این جمله را به معنی داشتن چشم بینا و عقل و درک کافی و بعضی به معنی داشتن فطرت سالم و بعضی به معنی استفاده از راهنمایی پیامبران دانسته‌اند. هیچ مانعی ندارد که همهٔ اینها در معنی آیه جمع باشد؛ اشاره به اینکه آنها جاهل قاصر نبودند، بلکه قبلاً به خوبی حق را می‌شناختند، وجدان بیدار داشتند، عقل و خرد کافی و پیامبران به آنها اتمام حجت کردند؛ ولی با این همه ندای عقل و وجدان، دعوت انبیاء را رها کرده، به دنبال وسوسه‌های شیطانی افتادند و روزبه‌روز اعمال زشت و شوم‌شان در نظرشان زیباتر جلوه کرد و به جایی رسیدند که راهی برای بازگشت نبود. قانون آفرینش، این چوب‌های خشک و بی‌باروبر را به آتش کشید که «سزا خود همین است مربی بری را!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/۵۸۱). طرح‌وارهٔ قدرتی در این آیه آراستن و نیکو جلوه دادن اعمال زشت‌شان به دست

شیطان، مانع و سدّی در مسیر حرکت آنها به راه درست شد؛ با وجود اینکه آنان به دلیل ظرفیت درونی شان، توانایی رفع این مانع از مسیرشان و گذر از آن را داشتند.

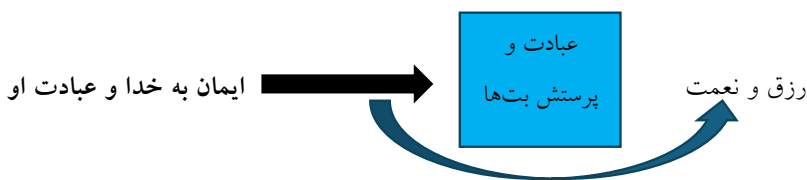
سدّ



﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (عنکبوت: ۲۹/۱۷) (واقعاً آنچه را که شما سوای خدا می پرستید، جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی سازید؛ درحقیقت، کسانی که جز خدا می پرستید، اختیار روزی شما را در دست ندارند. پس روزی را پیش خدا بجوید و او را پرستید و وی را سپاس گوید که به سوی او بازگردانیده می شوید).

ایمان و اعتقاد به خداوند سبب دستیابی انسان به نعمت‌های دریای بیکران خداوندی است، اما عبادت بت‌ها مانع از رسیدن انسان به این رزق و روزی الهی می شود. طرح‌واره قدرتی این آیه به شکل زیر نمود پیدا می کند.

سدّ

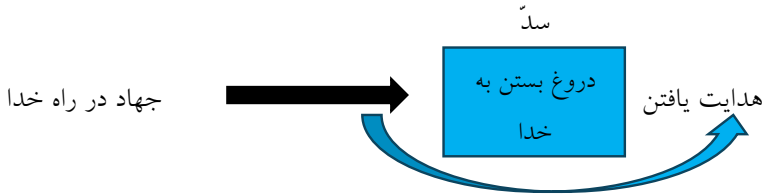


﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾ * وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (عنکبوت: ۲۹/۶۸-۶۹) (و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد یا چون حق به سوی او آید، آن را تکذیب کند؟ آیا جای کافران [در] جهنم نیست؟ * و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می نمایم و درحقیقت، خدا با نیکوکاران است).

شاهد طرح‌واره در آیه ۶۹، فعل «جَاهَدُوا» است که کلید اصلی عبور از سدّ و مانع به

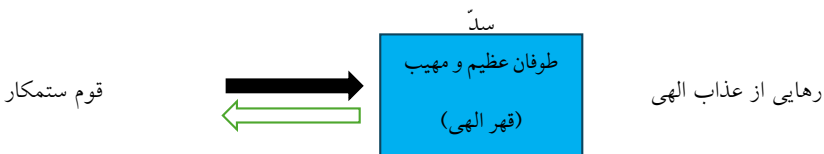
حساب می‌آید.

دروغ بستن به خدا و تکذیب کردن حق مانع هدایت انسان است و خداوند وعدهٔ جهنم و دوزخ به کافران و تکذیب کنندگان داده است؛ از سوی دیگر، جهاد کردن در راه خداوند راه عبور از این مانع بیان شده است.



«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ قَلْبًا فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (عنکبوت: ۱۴/۲۹) (و به‌راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد تا طوفان آنها را درحالی که ستمکار بودند، فرا گرفت). در مجمع‌البیان گفته شده است: «کلمهٔ «طوفان» به‌معنای آب بسیار زیاد و عمیق است و بدین جهت آن را طوفان گفته‌اند که به‌خاطر بسیاری‌اش در اطراف زمین طواف می‌کند و می‌گردد». بعضی دیگر گفته‌اند: «کلمهٔ طوفان به‌معنای هر چیزی است که در عین بسیاری و شدتش، دور چیزی طواف کند، مانند سیل، باد و ظلمت، ولیکن بیشتر در آب استعمال می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۶/۱۶۹).

نوح (ع) شب و روز مشغول تبلیغ و دعوت به سوی توحید بود؛ در خلوت و تنهایی، اما با این‌همه جز گروه اندکی (حدود هشتاد نفر طبق نقل تواریخ)، ایمان نیاوردند (یعنی به‌طور متوسط، هر دوازده سال یک نفر!)؛ بنابراین شما در راه دعوت به سوی حق و مبارزه با انحرافات خسته نشوید که برنامهٔ شما در مقابل برنامهٔ نوح (ع) سهل و آسان است. ولی ببینید پایان این قوم ستمگر و لجوج به کجا رسید؛ سرانجام طوفان عظیم آنها را فرو گرفت؛ درحالی که ظالم و ستمگر بودند «فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» و به این ترتیب، طومار زندگی ننگین‌شان درهم پیچیده شد و کاخ‌ها و قصرها و جسدهای بی‌جان‌شان در امواج طوفان دفن شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۶/۲۲۸)



جدول فراوانی طرحواره‌های تصویری در سوره عنکبوت

طرحواره	شماره آیه	فراوانی	درصد
حجمی	۹-۱۰-۱۲-۲۱-۲۲-۲۴-۲۵-۲۷-۲۹-۳۴-۳۹-۴۴	۲۱	۳۳٪
حرکتی	۵-۱۰-۱۴-۱۳-۱۶-۱۷-۱۹-۲۰-۲۱-۲۵-۲۶-۳۱-۳۳-۳۵	۲۵	۴۰٪
قدرتی	۴۵-۴۰-۳۸-۳۷-۳۳-۳۲-۲۵-۲۴-۲۲-۱۷-۱۴-۷-۴	۱۷	۲۷٪

نتیجه

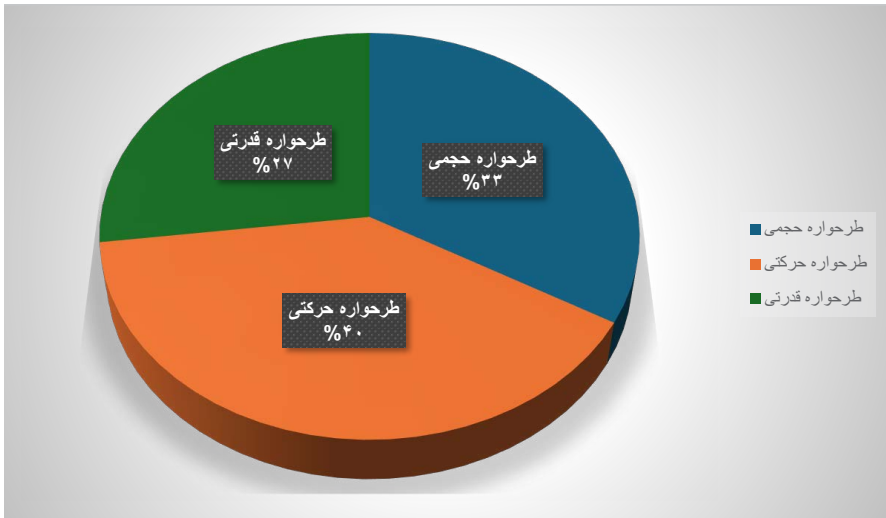
۱. براساس آمار موجود از آیات سوره عنکبوت، ۴۰٪ طرح‌واره حرکتی، ۳۳٪ طرح‌واره حجمی و ۲۷٪ طرح‌واره قدرتی دارند؛ پس بیشترین بسامد مربوط به طرح‌واره حرکتی است.

۲. طرح‌واره‌های تصویری به‌کاررفته در سوره عنکبوت، موجب تقویت سطح دریافتی مخاطب از کلام وحی و اهداف آن شده است؛ همچنین، از مسائل و تجربه‌هایی صحبت به میان آورده که انسان در محیط زندگی خود، آنها را به‌خوبی درک کرده است.

۳. هر سه نوع طرح‌واره تصویری حرکتی، حجمی و قدرتی در سوره عنکبوت به کار رفته است. مفاهیم انتزاعی که در سوره عنکبوت در قالب طرح‌واره ترسیم شده‌اند، از تحلیل و بررسی نمونه‌های به‌کاررفته در هریک از طرح‌واره‌های تصویری، بسامد طرح‌واره حرکتی در این سوره بیشتر از دو طرح‌واره حجمی و قدرتی است.

۴. باتوجه به بن‌مایه سوره عنکبوت، بسامد بیشتر طرح‌واره حرکتی با مفاد این سوره مرتبط و هماهنگ است؛ زیرا بن‌مایه این سوره مباحثی مانند دل‌داری پیامبر (ص) و مؤمنان، مسئله امتحان و وضعیت منافقان، توحید و نشانه‌های خدا در آفرینش و مبارزه با شرک و اشاره به ناتوانی معبودهای ساختگی و... را در برمی‌گیرد. طرح‌واره‌های تصویری در بیان مفاهیم قرآنی و رمزگشایی آن قابلیت کاربست دارند.

گستره طرحواره‌های تصویری در سوره عنکبوت



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن فارس، أحمد (۱۹۹۹). «معجم مقاییس اللغة». بیروت: دارالکتب.
- افراشی، آریتا (۱۳۶۹). «مبانی معناشناسی شناختی». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بارسلونا، آنتونیو (۱۳۹۰). «استعاره و مجاز با رویکردی شناختی»، ترجمه فرزان سجودی، لیلی صادقی و نینا امراللهی. تهران: نقش جهان.
- تک تبار فیروزجائی و حسین علی حاجی خانی و غلامرضا بلوری (۱۳۹۷). "تحلیل طرح‌واره‌های تصویری ضرب‌المثل‌های فرآند الأدب و نقش آن در انعکاس فرهنگ". جستارهای زبانی، شماره ۴۶، صص ۲۰۱-۲۲۶.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۴ش). «درآمدی بر زبان‌شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم». تهران: سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). «مفردات الفاظ القرآن». دمشق: دارالقلم.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۹۰). «در معرفی و نقد کتاب درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی؛ نظریه‌ها و مفاهیم»، ویزنامه فرهنگستان، شماره ۶، صص ۲۹۴-۳۳۰.
- روشن، بلقیس و لیلی اردبیلی (۱۳۹۲). «مقدمه‌ای بر معنی‌شناسی شناختی». تهران: نشر علم.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). «درآمدی بر معنی‌شناسی». تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۹۱). «معنی‌شناسی (مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی)». تهران: نویسه پارسی.
- _____ (۱۳۷۳). «از زبان‌شناسی به ادبیات»، چاپ اول. تهران: نشر چشمه.
- عبدالکریمی، سبیده (۱۳۹۲). «فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی». تهران: نشر علمی.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷). «نظریه‌های نقد ادبی معاصر، صورت‌گرایی و ساختارگرایی»، چاپ اول. تهران: سمت.
- فالر، راجر و رومن یاکوبسن و دیوید لاج (۱۳۶۹). «زبان‌شناسی و نقد ادبی»، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نشر نی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها». تهران: سخن.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۱). «تفسیر المیزان». ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۴۰۰). «معناشناسی شناختی قرآن»، چاپ ۳. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (۱۳۸۶). «زبان‌شناسی شناختی و مطالعات قرآنی»، ذهن، شماره ۳۰، صص ۳-۲۶.
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی راد (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»، فصلنامه علمی پژوهشی تازه‌های علوم شناختی، سال ۴، شماره ۳، صص ۵۹-۶۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). «تفسیر نمونه». قم: امیرالمؤمنین.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳). «زبان، بافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی». ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشان. تهران: علمی.
- یاوری، حسین (۱۳۹۲). «آشنایی با زیبایی‌شناسی». تهران: آذر.
- یاکوبسن، رومن (۱۳۶۹). «دو قطب استعاره و مجازی». ترجمه احمد اخوت. اصفهان: نشر مشعل.
- Johnson, Mark (1987). The body in the mind The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason, Chicago University of Chicago Press. P114.
- Evans, V, & green, M. (2006). Cognitive Linguistic, An Introduction.

References

- The Holy Quran
- Ibn Faris, Ahmed (1999); Dictionary of language comparisons; Beirut: Daral Kitab.
- Afrashi, Azita (1369); Basics of cognitive semantics; Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Barcelona, Antonio (1390); Metaphor and permission with a cognitive approach; Translated by Farzan Sojodi, Leila Sadeghi and Tita Amrollahi, Tehran: Naqsh Jahan.
- Firozjai single descent (2017); Haji Khani, Hossein Ali and Beluri, Gholamreza; "Analysis of the imaginary schemas of the proverbs of Farid al-Adab and its role in the reflection of culture"; Linguistic Essays, No. 46, pp. 201-226.
- Rasakh Mohand, Mohammad (2014); An introduction to linguistics: theories and concepts; Tehran: Side.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1416 AH); Vocabulary of Quranic words; Damascus: Dar al-Qalam.
- Razavi, Mohammad Reza (2010); "In introducing and criticizing the introductory book of cognitive linguistics; theories and concepts"; Farhangistan Visionama, No. 6, pp. 294-330.
- Roshan, Balqis (2013); Ardabili, Leila; An introduction to cognitive semantics; Tehran: Science.
- Safavi, Korosh (1379); An introduction to semantics; Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- (2013) Semantics (the collection of articles of the first consensus); Tehran: Persian script.
- (1373); From linguistics to literature; Ch Aol, Tehran: Cheshme Publishing House.
- Abdul Karimi, Sepideh (2013); descriptive culture of cognitive linguistics; Tehran: Scientific Publication.
- Alavi Moghadam, Mahyar (1377); theories of contemporary literary criticism, formalism and structuralism; Chaol, Tehran: Samt.
- Faller, Roger; Jacobsen, Roman and Lodge, David (1369); linguistics and literary criticism; Translated by Maryam Khozan and Hossein Payandeh, Tehran: Nei Publishing.
- Fatuhi, Mahmood (2013); stylistics, theories, approaches and methods; Tehran: Sokhn.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (1381); Tafsir al-Mizan; Translation: Mohammad Bagher Mousavi Hamdani, Qom: Darul Alam.
- Ghaemini, Alireza (1400); cognitive semantics of the Qur'an; Ch 3, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.
- (1386) "Cognitive Linguistics and Quranic Studies"; Mind, No. 30, pp. 3-26.
- Gulfam, Arslan and Fatemeh Yousefi Rad (2013); "cognitive linguistics and metaphor"; New Scientific Research Quarterly of Cognitive Sciences, Year 4, Number 3, pp. 59-64.
- Makarem Shirazi, Nasser (1373); sample interpretation; Qom: Amirul Mominin.
- Halliday, Michael and Hassan, Ruqiyeh (2013); Language, context and text: aspects of language in a socio-semiotic perspective; Translated by Mojtaba Manshizadeh and Tahereh Ishan, Tehran: Scientific.
- Yavari, Hossein (2012); Familiarity with aesthetics; Tehran: Azar.
- Jacobsen, Roman (1369); two metaphorical and virtual poles; Translated by Ahmad Akhot, Isfahan: Meshal publishing.
- Johnson, Mark (1987). The body in the mind The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason, Chicago University of Chicago Press. P114.
- Evans, V, & green, M. (2006). Cognitive Linguistic, An Introduction.